

ویژه ماه مبارک رمضان (۴)

گاهنامه سخن هادی



ویژه ماه مبارک
رمضان (۴)

نگاهی مقایسه‌ای به کرونا و نظم پسا کرونا
از منظر اندیشه اسلامی و تفکر غربی

خوانندگان گرامی:

گاهنامه سخن هادی با هدف اطلاع رسانی مهمترین محورهای سخنرانی سیاسی در موضوعات مختلف جهت بهره‌برداری مسئولین و هادیان سیاسی منتشر می‌شود. ارائه انتقادات و پیشنهادات سازنده شما موجب تقویت گاهنامه خواهد شد.

نگاهی مقایسه‌ای به کرونا و نظم پساکرونا از منظر اندیشه اسلامی و تفکر غربی

مقدمه

در ماه‌های اخیر و همزمان با شیوع اپیدمی کرونا و گسترش آن در سطح جهان، نظام بین‌الملل وارد دوران خاصی از حیات خود شده است به طوری که تحلیل کم و کیف دوران پساکرونا و اینکه جهان پساکرونا به چه شکل خواهد بود، به یکی از مباحث داغ بین اندیشمندان و صاحب‌نظران طراز اول جهان تبدیل شده است. این روزها و با رصد فضای رسانه‌ای و محافل آکادمیکی و مراکز مطالعاتی جهان، به خوبی می‌توان دریافت که پساکرونا از خود کرونا مهم‌تر شده و اهمیت بسزایی یافته است. این موضوع در حالی است که به نظر می‌رسد تحلیل درست جهان پساکرونا در گرو شناخت ماهیت غیرمادی این بحران است و این موضوع چندان مورد توجه غربی‌ها قرار نگرفته است، بلکه آنان بیشتر به چگونگی مدیریت بحران‌های بعد از کرونا فکر می‌کنند. در چارچوب نگاه اسلامی اما توجه به کرونا به عنوان یک ابتلاء و فتنه اهمیت دارد، چرا که عبرت‌ها و درس‌هایی را پیش‌روی ما قرار می‌دهد که در دنیای کنونی فراموش شده‌اند و چه بسا توجه به این عبرت‌ها راه‌حل جلوگیری از چنین بحران‌هایی است. بنابراین در نوشتار پیش‌رو، ابتدا به چگونگی تحلیل بحران کرونا و درس‌ها و عبرت‌های آن با تکیه به آیات قرآنی می‌پردازیم و سپس به نوع نگرش غربی‌ها به این پدیده که بیشتر در چارچوب چگونگی تحلیل پیامدها و آثار مادی کرونا قرار دارد، می‌پردازیم:

چگونگی تحلیل بحران کرونا از منظر آموزه‌های قرآنی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیاناتی که در ابتدای سال داشتند کرونا را یک ابتلا خوانده و فرمودند: «این ویروس که تقریباً همه کشورهای دنیا را گرفتار کرده و برخی کشورها حقایق را درباره این بیماری و تلفات آن می‌گویند و برخی هم پنهان‌کاری می‌کنند، مصداق آیه شریفه قرآن، یعنی ابتلا با خوف و ترس، مشکلات اقتصادی و گرفته‌شدن جان‌هاست».

در چارچوب نگاه دینی، پدیده‌ای مانند کرونا که در علوم اجتماعی به آن بحران گفته می‌شود، ابتلاء و فتنه نام دارد. فتنه و ابتلاء کاملاً یک نام قرآنی بوده و یکی از مکانیسم‌های الهی برای ایجاد تعادل در خلقت و کشاندن کل خلقت و آفرینش به سمت مقصد نهایی در نظر گرفته شده برای آن است.

فتنه‌ها و ابتلائات وزنه‌های تعادلی هستند تا بخش‌هایی از زندگی فردی، اجتماعی و تمدنی بشر که از مسیر اصلی خارج شده است را به حالت اصلی خود بازگردانند. اگر قرار است که کرونا چنین نقشی را ایفا کند، قاعدتاً باید به

دنبال پیدا کردن یک انحراف جدی در نوع رفتار تمدنی در جهان باشیم که سبب شده در این سطح بسیار گسترده و عمیق فتنه‌ای ایجاد شود تا بتواند بشریت را دوباره به آن وضعیت متعادل بازگرداند.

در نگاه کلان و از منظر آموزه‌های اسلامی و قرآنی، به نظر می‌رسد این ماجرا یعنی همه‌گیری کرونا، عذاب الله (عذابی از جانب خدا) نیست بلکه فتنه‌ای از جانب مردم است؛ «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ» (سوره عنکبوت، آیه ۱۰) و خداوند طبق سنت و برنامه‌ای که دارد به ستمکاران فرصت می‌دهد تا عقده‌های درونی و دشمنی‌شان را نشان بدهند «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِي لَهُمْ خَيْرٌ لَّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِي لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (سوره آل عمران، آیه ۱۷۸).

کرونا تلنگری برای بشریت به ویژه انسان مدرن غربی است که خود را خدا نپندارد. کرونا زیان‌های فردی و اجتماعی جبران‌ناپذیری برای بشریت به ارمغان آورده که آثار و پیامدهای آن تا سالیان دراز و حتی در قرن‌های آینده بر زندگی بشر سایه‌افکن خواهد بود؛ ورود این ویروس خطرناک و خسارت‌آور به زندگی انسان‌ها که با پیشرفت‌های فزاینده علمی همراه است، می‌تواند عبرت‌های بسیاری برای بشریت داشته باشد که لازم است انسان‌ها درباره آن بیندیشند و ارتباط نادرست‌شان با یکدیگر، با جهان و با خدا را سامان دهند و جایگاه خود را در چرخه گیتی بازآفرینی کنند. عبرت‌هایی از این قبیل که:

۱- مدیریت عالم به دست توانای خداست و نمی‌توان با پیشرفت‌های علمی و ... و غرور ناشی از آن خدا را از صحنه مدیریت جهان بیرون کرد و خود بر جای او نشست: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ، الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ، فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ؛ ای انسان چه چیز تو را درباره پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته، همان کس که تو را آفرید و [اندام] تو را درست کرد و [آنگاه] تو را سامان بخشید و به هر صورتی که خواست تو را ترکیب کرد». لذا حادثه کرونا می‌تواند عبرت بزرگی برای بشر باشد تا از غرور و خودبینی دست بکشد و سر تسلیم و تعظیم در برابر آفریدگار قادر متعال فرود آورد (سوره انفطار، آیه ۶).

۲- در عصر حاضر گناهانی رواج یافته که بعضی از آن‌ها مربوط به دوره بربریت بوده و مدت‌هاست که منسوخ شده و بشر از آن‌ها فاصله گرفته است: «وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ و هر کس با خدا و پیامبر او به مخالفت برخیزد قطعاً خدا سخت کیفر است (سوره حشر، آیه ۴)». بیماری کووید-۱۹، هشدار می‌دهد که بشر مدرن برای اینکه از گناهان مدرن و کم‌سابقه دست بکشد و بداند که مخالفت با خدا و رسول او، نتیجه‌ای جز مشکلات دنیوی و عذاب اخروی ندارد.

۳- بشر زندگی بلند و درازی به بلندای ابدیت در پیش دارد و بخش دوم و مهم زندگی خود را که در عالم آخرت محقق می‌شود به‌طور کلی از یاد برده است و گمان می‌کند که همه زندگی او در همین چند روز دنیا خلاصه می‌شود:

«يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ؛ از زندگی دنیا ظاهری را می شناسند و حال آنکه از آخرت غافلند. ویروس کرونا تلنگری به بشر مدرن است برای اینکه از خواب غفلت بیدار شود و سبک جدیدی از نگاه به زندگی را تجربه کند (سوره روم، آیه ۷)».

۴- حادثه کرونا هشدار می‌دهد به بشر است تا به خود آید و از همه رفتارهای ویرانگر در زمین دست بردارد و بیش از این در جهت تخریب محیط زیست تلاش نکند: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ؛ به سبب آنچه دست‌های مردم فراهم آورده فساد در خشکی و دریا نمودار شده است تا [سزای] بعضی از آنچه را که کرده‌اند به آنان بچشانند، باشد که بازگردند (سوره روم، آیه ۴۱)».

۵- پیشرفت علم، دانش و دستاوردهای اخیر آن که با شتابندگی و سرعت همراه بود، سبب غفلت انسان مدرن از بخش دوم، یعنی وحی شده است. به گونه‌ای که بشر گمان کرده است به کمک علم و دانش خود می‌تواند تمام نیازهای خود را مرتفع کند و دیگر نیازی به وحی ندارد، قرآن کریم یادآوری می‌کند که خداوند به انسان علم آموخته است اما انسان وقتی احساس نیاز کند سر به طغیان و سرکشی بر می‌دارد: «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ، كَلَّمَا إِنَّ الْإِنْسَانَ كَيْطَغِي، أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْتَى؛ آنچه را که انسان نمی‌دانست [به تدریج به او] آموخت، حقا که انسان سرکشی می‌کند، همین که خود را بی‌نیاز پندارد (سوره علق، آیه ۷)».

۶- بشر در سایه پیشرفت‌های علمی به دستاوردهایی رسیده است که این پیشرفت‌ها باید در جهت رفاه عمومی و سلامت اجتماعی قرار بگیرد اما انسان معاصر نه تنها پیشرفت‌ها را برای منفعت عمومی استفاده نکرده بلکه از آن سوء استفاده کرده و به عنوان ابزاری برای ظلم و ستم در دست کشورهای قدرتمند قرار داد تا به وسیله آن حقوق ملت‌های ضعیف را پایمال کند: «وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يُرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ؛ کسانی که ستم کرده‌اند اگر می‌دانستند هنگامی که عذاب را مشاهده کنند تمام نیرو [ها] از آن خداست و خدا سخت کیفر است (سوریه بقره، آیه ۶۵)».

۷- انسان معاصر زیاده‌خواه شده است و جوامع هر روز از طریق تبلیغات جهانی برای مصرف بیشتر به مسابقه با یکدیگر می‌پردازند، این رویکرد سبب شده یکی از مؤلفه‌های مهم پیشرفت معنوی یعنی قناعت رنگ ببازد و روح این فضیلت اخلاقی از بین برود و تکاثر و زیاده‌طلبی گسترش یابد. چیزی که قرآن بر مذمت آن در سوره مبارکه تکاثر تأکید می‌ورزد: «الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ (۱) حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (۲)؛ تفاخر به بیشتر داشتن، شما را غافل داشت، تا کارت‌ان [و پایتان] به گورستان رسید».

بنابراین، در منطق و دیدگاه قرآنی بیماری کرونا می‌تواند سنت و قانونی الهی و بیدارکننده بشریت باشد تا دست از این همه زیاده‌خواهی و طغیان بردارد و به سمت قناعت در تولید و مصرف برود. این در حالی است که متفکران غربی

بیش از همه به پیامدهای مادی کرونا بر فرهنگ و تمدن غرب می‌اندیشند و به دنبال ارائه راه‌کارهایی جهت کاستن از آسیب‌ها و پیامدهای ویران‌گر کرونا هستند.

فرا تحلیلی بر نگرش غربی‌ها به جهان پسا کرونا

نظام بین‌الملل حداقل در طول یک دهه اخیر در حال گذار بوده است. البته برخی اندیشمندان بر این باورند که بعد از فروپاشی شوروی، نظام بین‌الملل در حال گذار بوده و هنوز هم ساختار آن با وجود اتفاقات بزرگی همچون ۱۱ سپتامبر و ... چندان تثبیت نشده است. در این میان، به اعتقاد برخی از اندیشمندان و تحلیل‌گران سیلسی کرونا به کاتالیزور نظام بین‌الملل تبدیل شده و به خیلی از روندهای تغییر و تحولی شتاب خواهد بخشید و تغییر و تبدل حکومت‌ها، تمدن‌ها، سبک و سیاق زندگی‌ها و ... را تسهیل و تسریع خواهد کرد. البته برخی نیز اساساً، تمایز و تفاوتی بین دنیای پیشا و پسا کرونا قائل نیستند. به هر حال، سئوالی مهمی که در اینجا مطرح است، این است که به راستی جهان پسا کرونا، چگونه و به چه شکل خواهد بود؟

در خصوص کیفیت و ماهیت جهان پسا کرونا بر اساس فرا تحلیلی که از تحلیل‌های موجود است، چهار دیدگاه مهم قابل شناسایی است که وجه اشتراک همه آن‌ها، «تغییر» در دوران پسا کرونا است:

۱- دیدگاه نخست؛ نقض وابستگی متقابل و رشد ناسیونالیسم!

دیدگاه اول، یک دیدگاه رئالیستی است. معروف‌ترین اندیشمندی که این دیدگاه را مطرح کرده است پروفیسور «استفان والت» استاد دانشگاه هاروارد است. وی در روزهای آغازین شیوع کرونا یادداشتی در فارن پالیسی نوشت و در آن تاکید کرد همه‌گیری کرونا بیانگر این است که نظام بین‌الملل آینده یک نظام مبتنی بر عدم وابستگی متقابل بین کشورها و مبتنی بر تقویت دولت و ناسیونالیسم (نه به معنای یک ایدئولوژی سیاسی بلکه به معنای اتکاء به ظرفیت‌های داخلی و درون‌گرایی بیشتر و ساخت درونی قدرت) خواهد بود. دیدگاه استفان والت یک دیدگاه ضد لیبرالی است. البته رئالیست‌ها ضد لیبرال هستند، اما اینکه چنین دیدگاهی آن هم به شکلی صریح از سوی استفان والت مطرح شود، موضوع بسیار مهمی است.

والت در یادداشت خود که در ۲۰ اسفند ۱۳۹۸ منتشر کرد آورده است: «شرایط اضطراری امروز ما را متوجه این واقعیت می‌کند که دولت‌ها کماکان بازیگران اصلی در سیاست جهانی هستند. هر چند سال یکبار، دانشمندان و پژوهشگران مدعی می‌شوند که نقش دولت‌ها در روابط جهانی کاهش می‌یابد و دیگر بازیگران یا نیروهای اجتماعی (سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌های چندملیتی، تروریسم بین‌المللی، بازارهای جهانی و...) در حال کاهش حاکمیت دولت‌ها و پرتاب آنها به زباله‌دان تاریخ هستند. با این حال زمانی که مخاطرات جدیدی بر می‌خیزند، بشر ابتدا و بیش از دیگران به دولت‌های ملی برای تامین امنیت خود چشم دارد».

والث در بخش دیگری از یادداشت خود تأکید می‌کند، «اگر شیوع این بیماری به زودی فروکش نکند، روند رو به رشد تمایل به خروج از مسیر جهانی شدن کشورها را که اکنون نیز آغاز شده است، تقویت می‌کند». بنابراین از نظر استفان والث، پایان دهکده جهانی و جهانی شدن، یکی دیگر از موضوعات مهم نظام بین‌الملل در دوران پسا‌کرونا خواهد بود.

ریچارد هاس رئیس شورای روابط خارجی آمریکا نیز معتقد است: دشواری برای عبور از این بحران برای کشورهای مختلف، افزایش شمار دولت‌های در مانده و تضعیف شده، وخیم‌تر شدن روابط چین و آمریکا، تضعیف فرآیند همگرایی اروپایی، بهبود وضعیت بهداشت جهانی و تضعیف میل به جهانی شدن از اثرات بحران کرونا خواهد بود.

۲- دیدگاه دوم؛ حفظ هژمونی آمریکایی در زمانه تغییر!

دیدگاه دوم، دیدگاهی است که توسط «هنری کیسینجر» وزیر امور خارجه سابق آمریکا که یک رئالیست تمام‌عیار است ارائه شده است. البته کیسینجر در این خصوص یعنی ارائه تصویری از جهان پسا‌کرونا بیشتر به‌عنوان یک استراتژیست نظام لیبرال دموکراسی صحبت می‌کند، نه به‌عنوان یک نظریه‌پرداز رئالیست در روابط بین‌الملل. چرا که اگر می‌خواست بر اساس مبنای رئالیستی بحث کند، همان بحث استفان والث را باید تأیید می‌کرد. با اینکه کیسینجر یک نظریه‌پرداز «حفظ وضع موجود» است، اما وی نیز مانند استفان والث معتقد است جهان پسا‌کرونا مانند جهان قبل از کرونا نخواهد بود. تأکید کیسینجر بیشتر بر این مسئله است که بی‌اعتمادی مردم به نظم سیاسی لیبرال در داخل آمریکا کاهش پیدا خواهد کرد. لذا معتقد است دولت آمریکا باید جلوی این کاهش بی‌اعتمادی را بگیرد. با اینکه کیسینجر معتقد به تغییر در دوران پسا‌کرونا است لیکن با این وجود در پی ارائه فرمولی برای حفظ وضع موجود و مقابله با تغییرات ناشی از کرونا در جهان است که نظم لیبرال را دچار تهدید کرده است.

از نظر کیسینجر زیان‌های شیوع ویروس کرونا بر سلامت مردم می‌تواند موقتی محسوب شود، اما نوسانات و تغییرات سیاسی و اقتصادی آن ممکن است تا چندین نسل ادامه پیدا کند.

هنری کیسینجر می‌گوید: «امروز مانند اواخر سال ۱۹۴۴ یک احساس خطر خاص و نامشخصی وجود دارد، خطری که شخص خاصی را تهدید نمی‌کند، بلکه همه را به شکل اتفاقی، اما ویرانگر هدف قرار می‌دهد. اما تفاوت مهمی بین این زمان دوردست و زمان حال وجود دارد. در آن هنگام استقامت و انسجام جامعه آمریکا در چهارچوب اهداف ملی تقویت شده بود. اما، امروز در یک کشور دچار شکاف شده، به یک حکومت کارآمد و روشن بین نیاز است که بتواند چالشی با این ابعاد گسترده جهانی و بی‌سابقه را پشت سر بگذارد. برداشتن این چالش بسیار مهم با افزایش اعتماد عمومی به چنین حکومتی و انسجام کامل اجتماعی می‌تواند میسر گردد».

هنری کیسینجر در بخش دیگری از این یادداشت می‌نویسد، «هنگامی که اپیدمی کووید-۱۹ به پایان برسد، نهادهای بسیاری از کشورهای جهان شکست خورده و به زانو افتاده خواهند بود. واقعیت این است که جهان پس از ویروس کرونا، هرگز مانند قبل نخواهد بود».

هنری کیسینجر ضمن تاکید بر اینکه هیچ کشوری به تنهایی قادر به شکست دادن کرونا نیست، به دولت آمریکا توصیه می‌کند در سه بعد اصلی به مقابله با تبعات داخلی و جهانی این ویروس برود. به اعتقاد کیسینجر، تقویت توانمندی جهان برای مقابله با بیماری‌های واگیردار از طریق توسعه علم، اولین بعدی است که باید مورد توجه قرار بگیرد. در بعد دوم باید تلاش سریعی برای ترمیم زیان‌های وارد شده به اقتصاد جهانی متاثر از شیوع این بیماری انجام بگیرد و در بعد سوم او دولت آمریکا را به حمایت از اصول نظام لیبرالیستی در جهان فرا می‌خواند.

وی به رهبران جهان توصیه می‌کند در کنار مقابله با شیوع این ویروس به مأموریت مهم دیگری بیندیشند که همانا پروژه آماده‌سازی برای دوران پسا کرونا است. او بزرگ‌ترین چالش رهبران جهان را در برهه کنونی مدیریت کارآمد بحران و برنامه‌ریزی برای ساخت آینده می‌داند و تاکید می‌کند که شکست در برابر این چالش، می‌تواند باعث شعله‌ور شدن جهان در آتش تنش‌ها و درگیری‌های فزاینده شود.

هنری کیسینجر که از طرفداران ترامپ بوده و نظرات او در اجرای برنامه‌ها و سناریوهای حاکمیت آمریکا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، بیشتر از آن که نگران انسانیت جهان باشد، نگران افول هژمونی آمریکا است. به همین خاطر اعتقاد دارد واشنگتن باید در مدیریت جهانی بحران کرونا نقش آفرینی بیشتری داشته باشد.

۳- دیدگاه سوم؛ دو گزینه محتمل در جهان مبتلا به ترامپسیم!

دیدگاه سوم، دیدگاهی است که عمدتاً توسط چامسکی مطرح شده است. با توجه به اینکه چامسکی گرایشات مارکسیستی داشته و یک چپ انتقادی است، لذا نظریه‌ای که مطرح می‌کند انتقادی است. وی تصریح می‌کند نظم لیبرالی و جهانی شدن در حال فروپاشی است. چامسکی می‌گوید: «بدیهی است بعد از پایان گرفتن بحران کرونا، جهان با دو گزینه محتمل روبرو خواهد شد، یا بر تعداد نظام‌های تمامیت‌خواه و مستبد به مراتب ددمنش‌تر افزوده می‌شود و یا یک بازسازی بنیادین با شرایط انسانی‌تر در جوامع ایجاد خواهد شد؛ اما در حال حاضر سرنوشت ما در دستان دلقک‌های بیمارگونه اجتماعی مانند ترامپ و متحدان همفکرش در جهان قرار دارد.»

تشخیص چامسکی از نظام‌های مستبدی که بر پایه ایدئولوژی نولیبرالیسم بر پا شده و سعی دارد جهان را نیز به خود مبتلا کند، بسیار دقیق است. جهان اکنون دچار بیماری بدتر از کرونا است، همان که چامسکی از آن با نام دلقکی مانند «ترامپ» یاد می‌کند که در واقع ویروس اصلی است، اما در هر صورت تحلیل و تفسیر فردی، چون نوام چامسکی را تنها می‌توان در قالب یک برداشت مادی تلقی کرد.

۴- دیدگاه چهارم؛ تغییر نه تضعیف آری!

در کنار دیدگاه‌های فوق، دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که می‌گوید جهان پساکرونا تغییر نخواهد کرد. جوزف نای نظریه پرداز علوم سیاسی و مبدع نظریه «قدرت نرم» معروف ترین نظریه پرداز است که معتقد است کرونا نظم جهانی را تغییر نخواهد داد. نای معتقد است «فرهنگ آمریکائی با جاذبه بالای خود یکی از ستون‌های قدرت آمریکا و یکی از مهمترین ابزارهای نفوذ قدرت آن کشور در صحنه بین‌المللی است».

نای در یادداشتی که به همین منظور در فارن پالیسی منتشر کرد، آورده است: «جهانی شدن یا تعامل و وابستگی متقابل جوامع گوناگون انسانی در قاره‌های مختلف، نتیجه انقلاب اطلاعاتی و راه‌های انتقال آن‌ها و فناوری‌های ارتباطی است که بعید به نظر می‌رسد جریان این انقلاب متوقف شود. برخی از جنبه‌های اقتصادی جهانی شدن مانند تجارت محدود خواهد شد و مراودات مالی کمتر اتفاق می‌افتد. در حالی که جهانی شدن اقتصادی متأثر از قوانین دولت‌ها است، جنبه‌های دیگر آن مانند بیماری‌های همه گیر و تغییرات آب و هوایی بیشتر تحت تأثیر قوانین فیزیک و زیست‌شناسی تعیین می‌شوند. موانع اقتصادی، تسلیحات جنگی و تعرفه‌های گمرکی جلوه‌ای از تأثیرات فراملی جهانی شدن هستند که هیچ‌گاه متوقف نمی‌شوند؛ اگرچه با رکود مستمر و عمیق اقتصادی، کندتر می‌شوند».

جوزف نای ضمن دفاع از قدرت آمریکا حتی در بحبوحه همه‌گیری کرونا تصریح می‌کند: «ایالات متحده دارای برتری‌های ژئوپلیتیک است که علی‌رغم شیوع این ویروس همه گیر همچنان به وقت خود باقی هستند». وی در پایان می‌نویسد: «ویروس همه گیر کرونا نمی‌تواند به‌عنوان یک نقطه عطف ژئوپلیتیک در جهان در نظر گرفته شود».

شاخصه‌های محتمل نظم جهانی پساکرونا

با مطالعه دیدگاه‌های فوق می‌توان به این واقعیت پی برد که در پساکرونا نظام بین‌الملل دچار تغییر خواهد شد، اگرچه نظریه پردازان مذکور با قبول این تغییر، تلاش می‌کنند با ارائه راهکارها و مکانیسم‌هایی همچنان برتری غرب و آمریکا را در دوران پساکرونا حفظ کنند. با توجه به دیدگاه‌های گفته شده می‌توان مواردی را استخراج کرد که به‌عنوان مؤلفه‌ها و شاخصه‌های مهم و احتمالی نظم جهانی پساکرونا مورد تأکید قرار گرفته‌اند. این موارد عبارتند از:

۱- تقویت دولت‌ها و قدرت‌گیری احساس ملی‌گرایی؛

۲- شتاب در انتقال قدرت و نفوذ از جهان غرب به جهان شرق؛

۳- تضعیف جهانی شدن و دهکده جهانی با ماهیت و محوریت اروپا و آمریکا؛

۴- تمرکز توجه دولت‌ها از مسائل و پدیده‌های فراملی، منطقه‌ای و بین‌الملل به مسائل درون مرزی و داخلی؛

۵- تسهیل و تسریع در روند افول هژمونی آمریکا؛

۶- ایجاد خلاء قدرت همانند آنچه که در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم روی داد و پر شدن آن توسط قدرت‌های نو ظهور؛

۷- شکل‌گیری یک نظم چندقطبی در حوزه سیاست بین‌الملل؛

۸- فرو ریختن ذهنیت تاریخی و تصویر ساخته شده از آمریکا توسط رسانه‌ها و نظام تبادل نمادین که مبتنی بر کانسپت "رؤیای آمریکایی (American Dream)" و خوشبختی آمریکایی‌ها شکل گرفته است؛

۹- عبور جهان از نئولیبرالیسم که گفتمان مسلط بر نظام جهانی سرمایه‌داری است؛

۱۰- احتمال گسترش خشونت اعمالی از سوی آمریکا و اروپا با هدف جبران خسارات اقتصادی ناشی از کرونا؛

۱۱- احتمال میلیتاریزه شدن جهان از طریق رونق بازارهای تسلیحاتی توسط دولت‌های غربی با هدف جبران خسارات ناشی از کرونا؛

سخن پایانی

جهان پسا کرونا با عبور از تقدیس دموکراسی به مفهوم حکمرانی مطلوب، به دنبال جایگزینی شایسته برای لیبرالیسم و نظام سرمایه‌داری و تمدن شکست خورده غربی است تا در آن جهان، مفاهیمی همچون عدالت و آزادی بازتعریف شده و طبقات فرودست و متوسط بتوانند به حداقلی از مؤلفه‌های زیست آبرومندانه دست یابند.

در این میان باید توجه داشت که اتفاقاتی همچون فروپاشی «فردگرایی مدرن» و شروع پست مدرنیته واقعی؛ (پست مدرنیته‌ای که نظام ارزشی متفاوتی که نشأت گرفته از نظام پیشامدرن است، بر آن حاکم خواهد بود)؛ روی آوردن مجدد بشر به ادیان توحیدی و الهی و تغییر سبک زندگی از آنچه که در جهان پسا کرونا حاکم بوده است به یک سبک جدید با محوریت ارزش‌های الهی از جمله آثار و نتایج غیرمادی کرونا هستند که درک آن‌ها از راه تأمل در چیستی این بحران به عنوان یک سنت و ابتلاء الهی ممکن است. نظریه پردازان غربی که بحران کرونا را تک ساحتی و تنها از زاویه مدیریت آثار نامطلوب آن در حوزه اقتصاد و قدرت تحلیل می‌کنند، در واقع بخشی از واقعیت را می‌نگرند، حال آن‌که تأمل در چرایی شکل‌گیری این فتنه و درس‌ها و عبرت‌های آن می‌تواند زمینه زیست مطلوب در دوران پسا کرونا را فراهم کند.